

# خاتمه مقاله اول از کتاب

## الکبریت الاحمر فی شرائط المنبر

محمد باقر قائینی بیرجندی  
تصحیح از دکتر محسن الوری

اشاره:

للشیخ الطبرسی و تفسیر برهان سید بحرینی - که تفسیر به ماثور است و نظیر ندارد ۴ - و تفسیر صافی ۵ - غیر آنچه موافق با ذوق حکمت و تصوف است - و دو تفسیر مولانا فتح الله کاشی که برای شاه طهماسب نوشته اند به فارسی، و بسیار خوب نوشته است، به خصوص تفسیر کبیر را که منهج الصادقین ۶ باشد و خلاصه المنهج نیز خوب است. و این تفاسیر، همه - الحمدلله - نسخه آنها بسیار است و غیر از جمع الجوامع به چاپ درآمده است ۷.

و مثل تفسیر کبیر فارسی مولانا علی بن الحسن الزواری - به

پیش از این پنج بخش از کتاب الکبریت الاحمر فی شرائط المنبر، نوشته مرحوم محمد باقر قائینی بیرجندی، در این مجله به چاپ رسیده است؛ قسمت اول، در شماره ۲۹ (صص ۳۲-۴۷)، قسمت دوم در شماره ۳۰ (صص ۳۰-۴۴)، قسمت سوم در شماره ۳۱ (صص ۴۸-۶۴)، قسمت چهارم در شماره ۳۵ (صص ۶۴-۷۳) و قسمت پنجم در شماره ۴۰ (صص ۷۴-۷۹). بخش پایانی این کتاب که قرار بود برای چاپ در همان سالها آماده شود، مدتی دراز برای تکمیل پاورقیها به تأخیر افتاد. اما گذشت این زمان دراز، فرصت تکمیل پاورقیها را مطابق آنچه در بخشهای پیش انجام شده بود، فراهم نیاورد. اینک به رغم توصیه نبوی که هر که دست به انجام دادن کاری می زند، سزاست که آن را استوار و متقن انجام دهد، بخش پایانی کتاب ارزنده الکبریت الاحمر با کاستیهای در زمینه ارجاعات و اطلاعات کتاب شناختی پاره ای از منابع، و به روال همان پنج بخش قبلی، در آستانه ماه منبر و موعظه تقدیم خوانندگان عزیز می شود. امید است امکان نشر مجموعه این شش بخش پس از برطرف ساختن کاستیهای آن، فراهم آید.

خاتمه

در بیان کتبی که در موعظه و مقتل، اعتبار و صحت آنها خاطر جمع تر است، و اجازه نقل از آن کتب و طریق آن کتب. بدانکه، اول کتب موعظه بلکه مرثیه، کتاب خداوند - عزوجل - می باشد؛ چنانکه در اول رساله دانسته شد.

ابن ابی الذکر فیہ مواعظ فمن الذی بعظائه یتأدب  
در آن است «تبیان کل شیء» [نحل/۱۸۹] از وقایع گذشتگان، که کفایت کند از برای عبرت عبرت گیرندگان، و زهد انبیاء و اولیاء و مشاق و غزوات حضرت خاتم الانبیاء (ص). و حضرت امام باقر(ع) فرمودند که پدر من، غزوات و حروب حضرت رسول (ص) را به ما تعلیم می دادند؛ چنانکه قرآن به ماتعلیم می دادند و می فرمودند که حفظ کنید غزوات آن حضرت را، که شرف پدر شماست. ولیکن، شرط است که تفسیر قرآن مجید را از تفاسیر معتبر شیعه اخذ کند، مثل: تفسیر مجمع البیان ۲ و جمع الجوامع ۳



کلینی رازی ۲۱- بر وزن لَجِين نه امین . چنانکه توهم شده است که گذشت - و من لایحضره الفقیه تصنیف شیخ صدوق رئیس المحدثین ۲۲ و تهذیب الاحکام ۲۳ و استبصار تصنیف شیخ الطائفة المحققة محمد بن الحسن الطوسی - قدس سره ۲۴ .

و از کتب معتبره موعظه است، ارشاد القلوب شیخ ابو محمد دیلمی ۲۵ و انوار نعمانیه سید جزایری ۲۶؛ اگر چه مثل بحار نیست. و مجموعۀ شیخ جلیل ورام بن ابی فراس، جد سید بن طاوس، که موسوم است به تنبیه الخواطر ۲۷. و کتب سید بن طاوس که مشحون است به مواعظ شافیه، بخصوص کتاب وصایای آن بزرگوار که مسمی است به کشف المحجۀ ۲۸.

و مصباح الشریعه که سید بن طاوس مدح بلیغی از آن نموده است ۲۹. و جامع الاخبار، تألیف محمد بن محمد شعیری، و نسبت آن به صدوق و شیخ غلط است؛ چنانچه در رساله اجازات، تحقیق آن کرده ام.

و ثواب الاعمال ۳۰ و امالی ۳۱ و سایر کتب شیخ صدوق - رحمه الله علیه - و اربعین مجلسی ۳۲ و اربعین شیخ بهایی، که تلمیذ آن ابن خاتون، ترجمه خوبی بر آن نوشت ۳۳.

و نور المعرفة تألیف ابن حقیر و دیوان امیر المؤمنین (ع) که جمع و تألیف فاضل فنجکردی نیشابوری است، و اسم او را سلوة الشیعة گذاشته؛ چنان که ابن شهر آشوب فرموده است و در مستدرک الوسائل نیز به این عنوان نقل می فرماید.

و محجة البيضاء مرحوم فیض که احیاء العلوم غزالی و مختصر آن است، که کفریات آن را حذف کرده اند و از اخبار خاصه قدری بر آن افزوده اند ۳۴. و مطالب عرفانیه هم دارد، که باید ملتفت بود. و جامع السعادات آخوند ملا مهدی نراقی ۳۵، و آن در حقیقت مختصر محجة البيضاء فیض است؛ مثل نخبه.

و از کتب فارسیه موعظه، احسن آنها کتب فارسیه مجلسی است، مثل عین الحیوة ۳۶ و حلیة المتقین ۳۷؛ بلکه حق الیقین ۳۸ که در معارف حقه نظیر ندارد و مفاد آن در موعظه تمام. و شیخ جلیل معاصر نقل فرموده که سی هزار از اهل حدود شامات، به برکت آن شیعه شدند.

و کتاب معراج السعادات آخوند ملا احمد نراقی ۳۹ است، که ترجمه جامع السعادات والد ایشان است.

و ابواب الجنان تألیف مولانا رفیع الدین قزوینی، معاصر شیخ حر، و در امل الامل مدح عظیمی از آن نموده ۴۰.

و حیاة القلوب مجلسی در سه مجلد ۴۱. و مصابیح القلوب تألیف شیخ حسن بن حسین الواعظ السبزواری، که ترجمه پنجاه و سه حدیث نبوی است در نوادر حکمت. و هر یک را مجلسی قرار داده، و مناسباتی آورده. و نسخ آن مثل نسخ جامع الاخبار، بسیار مختلف است و کم و زیادی دارد. و بعضی از آنها پنجاه حدیث است و کمال اعتماد بر آن نیست ۴۲.

و حدیقة الشیعة تألیف مولای مقدس مدقق محقق احمد اردبیلی ۴۳، که سید جزائری استادش علامه مجلسی را قریب به ایشان در علم و عمل در شرح صحیفه شمرده اند. و انکار بودن آن از مولانا احمد اردبیلی، کمال اشتباه است. و در رساله اجازات و رساله اکفاء المکائد در رد صوفیه، به ادله قویه و شواهد قطعیه ثابت داشتیم که تألیف آن جناب است، حتی اجزاء رد بر صوفیه.

زاء معجمه و بعد از آن واو و بعد از آن الف و راء مهمله که قصبه ای است معروف از اردستان بین اصفهان و یزد. و او استاد مولانا فتح الله کاشی بوده است. و تفسیر کبیر فارسی شیخ جلیل متبحر ثقه ابوالفتح خزاعی رازی در بیست مجلد ۸. و فخر رازی تفسیر را از آن اخذ کرده ۹.

و چه بسیار تعجب است از جرئت بعض و اعظین زمان ما، که آیات قرآنی را بر منبر غلط می خوانند و غلط تفسیر می کنند، و زحمت بر خود قرار نمی دهند که یک تفسیری مطالعه کنند، و یا آیه را که در کتاب چاپ مغلطی از کتب موعظه دیدند، به قرآن رجوع کنند و صحیح حفظ کنند.

و از کتب موعظه عربیه بعد از آن قرآن، کتاب نهج البلاغه و کتاب شریف کافی را نصب عین نمایند و خوب مواظبت کنند و عبارات آن را حفظ کنند، که درباره آن دو، صادق است که انشاء شود:

کتابی که از هر خطا سالم است قوانین میرزا ابوالقاسم است و تالی قرآن می باشند؛ «و من اصدق من الله حدیثا» [نساء/

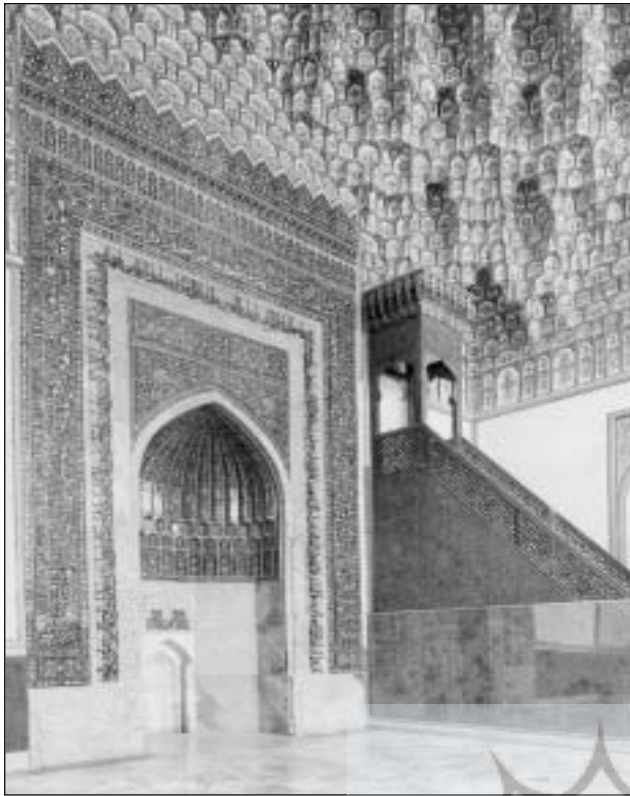
۸۷]. و شیخ مفید در شرح عقاید صدوق می فرماید که اجمع و انفع کتابی در اسلام نوشته نشده است، از کتاب کافی ۱۰. و در

غیبت صغری در مدت بیست سال، در شهری که چهار نایب خاص حضرت حجة (ع) بودند که بغداد باشد، جمع شد. و مولانا جلیل قزوینی که دو شرح به عربی و فارسی بر کافی دارند ۱۱، از معاصرین مرحوم فیض و علامه مجلسی (ره) می فرمایند که بر امام (ع) عرضه داشت و فرمودند: «کاف لشیعتنا» ۱۲. و قرائن اطمینانیة نیز شهادت به آن می دهد، چه تتبع کتاب رجالیه معلوم است، که عادت اصحاب ائمه بوده که کتب احادیث را بر امام معروض می داشتند. و قرائن دیگر بسیار است که در محل خود - آن را نوشته ام. و شیخنا المحدث المتبحر الثقة السناد النوری - عطر الله مرقده - در خاتمه کتاب شریف مستدرک الوسائل، قدر وافی بیان فرموده اند ۱۳.

و بیست و چهار مجلد بحار الانوار است، که اکثر اخبار اهل بیت در آنها جمع است ۱۴، بخصوص مجلد سابع عشر که در خصوص مواعظ است ۱۵. و معالم العبر که متمم آن است، از تالیفات شیخ متقدم ۱۶. و اما مجلدات عوالم، پس آنها همان بحار است حدیثا و بیانا؛ کما لایخفی ۱۷.

و مجلدات هفده گانه وافی است، تألیف مرحوم فیض قدس سره ۱۸ خصوص مجلد روضه آن که آخر مجلدات است. و مجلدات و سائل الشیعة تألیف شیخ جلیل ثقة محمد بن الحسن الحر العاملی ۱۹. و مستدرک الوسائل در سه جلد کبیر، که تقریباً به قدر اصل و سائل است ۲۰. و این بزرگواران، محمدین اربعه متاخرند، که اخبار اهل بیت (ع) را نقادی کرده اند و در جامع کبیری جمع فرموده اند.

و اما شیخنا البهائی - زاد الله بهاءه - اگر چه در لسان بعضی از محمدین متاخر شمرده می شوند، ولیکن جبل المیتین آن حضرت - افاض الله علینا من رشحات بحار عنایاته و مقاماته العالیة - ناتمام است. و از کتب است، کتب اربعه تصنیف محمدین ثلثه متقدمه؛ یعنی کتاب شریف کافی تألیف ثقة الاسلام محمد بن یعقوب



مسجد گوهرشاد، مشهد

الکامل الثقة آقا بن عابد الدربندی ۶۰، پس اگرچه در جمله ای از مواضع آن نقل چیزهای بسیار ضعیف نموده، بلکه از مجموعیات ابوالحسن بکری - که از اساتید شافعیه شهید ثانی است چنان که تلمیذ شهید، ابن عودی به آن تصریح نموده و در رساله خود در احوال شهید و از روسای وضاعین، حدیث است، چنانچه در نزد مهره فن رجال ثابت است و در روضات الجنات ۶۱ نیز بیان شده است. در آن کتاب بسیار روایت شده است؛ مثل حکایت مصارعه نبی (ص) با ابی جهل و غیر آن از اکاذیب قطعیه. و خود آن مرحوم، یعنی صاحب اکسیر العبادة، ملتفت شده اند به این فقره از حکایات کتاب ابی الحسن و فرموده اند: آثار وضع در چند موضع از این کتاب ظاهر است. و عجیب تر آن که حال بکری بر علامه مجلسی - قدس سره - مخفی مانده و به جهت آنکه استاد شهید ثانی بوده، در اول بحار شیخ جلیل از او تعبیر کرده اند و قدری از آن کتاب در بحار نقل فرموده. و در مجلد پنجم فرموده بعد از نقل حدیثی از آنکه اگر چه این حدیث مخالف با احادیث معتبره است و لیکن به جهت اعتقاد بر مؤلف آن، که استاد شهید ثانی بوده است، آن را نقل کرده. و ملتفت نبوده اند که شهید ثانی مشایخ بسیار دارد، از هر طائفه ای از خاصه و فرق عامه. و این، از فرق شافعیه است نه از خاصه؛ علاوه که، رئیس وضاعین است. الغرض، آقا در اکسیر العبادة در چند موضع شرط فرموده اند که هر کس از کتاب ایشان نقل کند به همان جوری که ایشان نسبت می دهند با نسبت به ایشان و آن کتاب یا شخص منقول عنه، نقل کند. و اگر بی نسبت به آن طور حدیث کند، داخل در اشد کبائر و اکاذیب خواهد بود و روح ایشان معذب خواهد شد و خصمی خواهد کرد با آن روضه خوان. و فرموده اند که سبب، آن است که کتبی به

و غیر اینها از کتب فارسیه و عربیه در مواضع و آداب دینیه، که اگر به تعداد همان قدری که در نزد این فقیر است پردازم، به طول انجامد؛ چه جای آنکه تعداد شود آنچه در کتب رجالیه اصحاب - رضوان الله علیهم - تعداد شود.

و اما اصول مقتل، پس ارشاد مفید است ۴۴. و مثل آن است، اعلام الوری تألیف شیخ طبرسی ۴۵. و آن بعینه، ربیع الشیعة سید بن طاووس است. و کتاب اللهوف علی قتلی الطفوف، للسیّد بن طاووس ۴۶. و ملهوف به اسم مفعول، غلط است. و کتاب لطیف مختصری دارند در مقتل، و آن جزء کتاب اقبال ۴۷ است. و دیگر، مشیر الاحزان شیخ جلیل ابن نما است ۴۸؛ به حرکات ثلاث. و مقتل کبیر شیخ محمد بن ابی طالب موسوی حائری، که تلمیذ محقق کرکی است ۴۹. و طالیبه شرح رساله ای که در فقه از آن نقل می شود، از ایشان است و آن در بحار ۵۰ درج است. و مقاتل الطالبین ابوالفرج اصفهانی ۵۱. و عاشر بحار الانوار و مقتل عوالم العلوم، تألیف عبدالله بن نورالله بحرینی، شاگرد علامه سمی مجلسی. و در این دو به اعتراف آن دو، علامه از تواریخ ضعاف و کتب بعض معاصرین نقل می فرمایند چیزهایی را که اعتماد بر آن ندارند؛ مثل حدیث فاطمه بنت الحسین - علیه السلام - در غارت خیام: «و اذاً رأسها مکشوفة و متها قد اسودت من السیاط»، و حدیث جمال از سعید بن مسیب، که در جلد نهم بحار تضعیف آن جداً فرموده. و فتاوی منحوسه او بر خلاف کتاب و سنت، در تذکره علامه حلی ۵۲ و کتاب متنی المطلب آن آیه الله ذکر می شود ۵۳. و به نماز بر جنازه امام زین العابدین - علیه السلام - حاضر نشد؛ اگرچه پاره ای از روایات، بر خلاف نیز در حال او رسیده از باب تقیه که در اختصاص ۵۴ و یازدهم بحار نیز مسطور است. و لذا، در و جیزه رجال علامه مجلسی ۵۵، او را مختلف فیه شمرده اند. و مراد ایشان ببعض کتب و بعض المعاصرین، شیخ طریحی و منتخب ایشان است که از معاصرین فیض و آقا سید هاشم بحرینی، صاحب مدینه المعاجز و معالم الزلفی و تفسیر برهان، و مجلسی می باشند؛ و اکبرند و اقدم از همه. و مرحوم فیض در رساله و جوب صلوة جمعه، می فرماید: نماز جمعه بسیار به ایشان اقتدا کرده ام. و سید در مدینه ۵۶ می فرماید که از ایشان اجازه دارم و بسیار ثقه بوده اند، و لیکن در منتخب ۵۷ بسیار تسامح فرموده اند. و لذا علماء در مراسیل منتخب، طعن زده اند. و مراد سید در مدینه المعاجز هر کجا می فرماید: «قال الفخری»، ایشانند. و مرسلات منتخب را نقل می فرمایند، غیر از حدیث کساء معروف که با آنکه جمیع اخبار این حدیث شریف را در تفسیر خود در آیه تطهیر جمع فرموده، مثل علامه مجلسی در نهم بحار، این حدیث شریف را به این تفصیل هیچ کدام، از منتخب نقل فرموده اند، با بودن منتخب نزد ایشان و کثرت نقل هر دو از آن. و شاید که طریحی بعد به این برخورده اند، و آن را ملحق به منتخب نموده اند یا بعض تلامیذ ایشان آن را ملحق نموده اند؛ چنانکه در کتب علماء از این قبیل بسیار واقع شده است، مثل حدیث قدامه بن زائده در حکایت قتلگاه، که بعض تلامیذ ابن قولویه در کاهل الزیارة ۵۸ مندرج کرده، و شرح دعای جوشن کبیر برای جوشن صغیر که بعضی در مهج الدعوات درج کرده اند ۵۹.

و اما کتاب اکسیر العبادة فی اسرار الشهادة للمولی المحقق



دیگر در مراثی عربیه و فارسیه، مناسب شأن و مقام آن مرحوم نشده؛ عفی الله تعالی عن اخواننا الذین سبقونا بالایمان و رفع درجات علمائنا و رزقنا شفاعة ساداتنا.

و بیت الاحزان نیز از این جمله است ۷۲ و خطاء بسیار دارد؛ مثل وفات طفل سه ساله در خرابه از امام حسین (ع) که اسم او رباب بود. بلی در منتخب شیخ طریحی ۷۳، وفات طفلی را در خانه یزید از اسیران روایت کرده؛ و فیه ایضاً مافیہ. و مثل آنکه سکینه گویا سر علی اصغر را در مجلس ماتم داری اهل بیت در شام برداشت، و خلق گمان کردند که علی اکبر حضرت پیغمبر (ص) است. و عمر سعد گفت که این جوان پیغمبر نیست، بلکه نوجوان حسین است؛ که در آن مجلس ذکر کرده. و نظائر اینها از اکاذیب واضحه، بسیار دارد؛ اگرچه صحیح آن، بیشتر از ضعف است. و مجالس المتقین ۷۴ و سرور المؤمنین ۷۵ نیز، بسیار ضعیف است. و بالجمله باید مجلسی را که می خواهد بخواند، بر عالم خبیر و مقاد بصیر عرضه دارد. اگر اجازه داد، بخواند و الا، فلا؛ چنانچه در شرایط آن گذشت. و ائمه معصومین (ع) فرموده اند که ترک تو حدیث کردن آنچه صحت و سقم آن را نمی دانی، بهتر است از احادیث بسیار روایت کنی. و اگر یک وقت لابد شد که بخواند چیزی را که نمی داند آن را، البته باید نسبت بدهد مثل آنکه بگوید در بیت الاحزان یا مجالس المتقین مثلاً روایت است. و به غیر این، در نزد خدا و رسول (ص) و حمله روایات اهل بیت (ع) دروغ واضح خواهد بود و مؤاخذ خواهد بود؛ اگرچه در واقع، صدق هم باشد؛ مثل مفتی که فتوی بدهد به حق، و حال آنکه نداند حق بودن آن را. و فرموده اند که او، در آتش است؛ با آنکه به ندرت اتفاق می افتد که در واقع، صدق باشد؛ و بالله التوفیق.



مسجد قجماس الاسحاقی، قاهره، مصر

دست من افتاده اند که از آنها نقل می کنم، از باب و جاده. که در فن درایه عنوان است. و لیکن اعتماد بر آنها ندارم. و مع ذلک، بعض اهل منبر به وضع غیر صحیح، به ایشان نسبت آن مطالب می دهند. و این، کمال جرئت بر خدا و رسول (ص) است.

و مقتل منسوب به ابی مخنف ۶۲ بسیار ضعیف است، و اعتماد بر متفردات او نیست. و در بحار و عوالم نیز از آن نقل نشده است. و انتسابش به ابی مخنف، مظنون الکذب است. و شیخنا النوری نیز قدحی در آن و در نسبت می فرمود.

و کتاب لؤلؤة الغالیة بعض اجلاء سادات ۶۳، از علمای معاصرین. قدس سره. غالباً مأخوذ از اسرار الشهادة فاضل دربندی است. و حال آن، آن حال است و دانستی؛ و الله العالم.

و اما کتب فارسیه مقتل که در این زمان شایع است، پس جلاء العیون علامه مجلسی ۶۴ خوب است. و از عاشر بحار الانوار هم معتبرتر است.

و کتاب مفتاح الفردوس ۶۵ که حقیر نوشته ام هم، قطره ای از آن بحر است و حرفی از آن سطر محسوب است. و آنچه زیاد شده نیز، از امکانه معتبره اخذ شده است.

و کتاب نورالمنابر فاضل معاصر و شریک ما در درس مجلس مرحوم حجة الاسلام میرزا محمد حسن شیرازی، شیخ عبدالله زنجانی، خوب است ۶۶؛ اگرچه بی اشتباه نشده است، مثل آنکه: «کان العباس رجلاً جمیلاً و سیمماً» الی الاخر را نسبت به قول حضرت صادق (ع) داده و حال آنکه روایت نیست، بلکه کلام ابی الفرج است در مقاتل الطالیین. و ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه ۶۷ و غیر او، طوال عرب را شمرده اند و کسی حضرت ابی الفضل را از ایشان نشمرده. و در حدیث خصال گذشت که طول قامت از اندازه زیاد در عصر آن شخص، نقص است. آنگاه، چنین طولی که بر اسبان قوی چاق سوار شود و پای او بر زمین کشیده می شده باشد، لامحاله همین قدر در هوا باید ارتفاع از متعارف ناس داشته باشد. و لذا در بحار هم «قالوا کان العباس» فرموده، و آن را نقل از غیر معصوم قرار داده.

و کتاب مہیج الاحزان ۶۸ و مخزن البکاء ۶۹، غالباً خوب است و بهتر از کتب جمله فارسیه است. بلی، خالی از اشتباه و دروغ هم نمی باشند؛ مثل کودک بودن سکینه خاتون، و بیرون آمدن ام لیلی بعد از شهادت علی اکبر، با آنکه نبودن آن مخدره در کربلا از کتب اصحاب، ظاهر است و در هیچ روایتی و کتاب معتبری نقل نشده. الی غیر ذلک در کتاب مہیج و حکایت تنور و درویش و کشکول و عجوزه ملعونه در مجلس ابن زیاد و امثال آنها در کتاب مخزن و قمقام ۷۰ و مقتل ناسخ التواریخ ۷۱ فی الجمله بلکه غالباً معتبر است. و اما کتب دیگر از متأخرین که در این زمان رایج است و مثل قول شاعر شده است که:

الہت بنی تغلب عن کل مکرمة قصیة قالها عمرو بن کلثوم  
پس بسیار ضایع است. و عذری نیست در قیامت برای کسی که از آنها نقل حدیث می شود و مقتل بخواند.

و کتب علامه نحریر آقای دربندی از اکسیر العبادة و کتب

و اما طریق به کتب معتبره که به آن اجازه دادم اولاد و تلامیذ خود و قرآء مرآئی و وعاظ را ، پس تفصیل آن طرق را در رساله اجازات بچویند، با نکات و دقایق شریفه که بسیاری از متأخرین از آنها غافلند. و اما از باب تیمن و تبرک، اینجا یک طریق ذکر می شود تا سبب زیادتی اعتماد بر آن کتب باشد و از ارسال، که اشکال دارد نیز فی الجمله خارج شود.

پس، بدان که این احقر خدام اخبار اهل بیت و تراب اقدام محلدین مهره و فقهای بره- ضاعف الله اجورهم و حشرهم مع ائمتهم المعصومین سلام الله علیهم اجمعین- روایت می کنم اجازه از جمعی از اعظام فقهای عصر، که از ایشان است محقق نحیر و ماهر بصیر جامع شتات اخبار رابع محمدین ثلاثه متأخره که در عبادت و زهد در این زمان نظیر نداشت، الامیر الحاج میرزا حسین بن محمد تقی نوری طبرسی، مؤلف کتب نافعه کثیره مثل: نجم الثاقب و دار السلام و کلمه طیبه و غیر ذلك، و انفع تمام آنها کتاب مستدرک الوسائل است - جزاه الله تعالی عن الاسلام واهله خیراً - ، و مولانا العالم العابد الزاهد الواعظ الشیخ جعفر التستری المجاور بالگری، صاحب الخصائص الحسینیة و غیره، و المولی العالم الكامل الورع لطف الله المازندرانی و الفقیه المدقق العلامة المولی محمد الایروانی المجاورین بالگری، از مولانا العالم الزاهد الحاج مولی علی الطهرانی و الشیخ الفقیه النبیہ الشیخ عبدالحسین الطهرانی، از شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر الکلام، از عامل کامل مستجاب الدعوة سید محمد جواد عاملی صاحب مفتاح الذکرامه در سی و دو مجلد، از صاحب کرامات بحر العلوم السید مهدی، از آقای سَمی محقق بهیانی، از والدش محمد اکمل، از علامه مجلسی، از والدش مولی محمد تقی، از استادش شیخ بهایی، از پدرش حسین بن عبدالصمد حارثی، از شهید ثانی زین الدین علی بن احمد شامی، از سید حسن بن جعفر کرکی، از شمس الدین جزینی- بر وزن سکین- ، از ضیاء الدین علی ولد شهید اول، از والدش شهید، از فخر المحققین ولد علامه حلّی، از والدش علامه، از محقق حلّی صاحب شرایع و سید بن طاووس از فخار بن معد موسوی، از شاذان بن جبرئیل قمی، از محمد بن ابی القاسم طبری، از شیخ فقیه ابوعلی حسن بن الحسن الطوسی، از والدش شیخ الطائفة المحققة، از شیخ مفید محمد بن محمد بن النعمان - که موصوف است در توفیق شریف به مدائح عظیمه و ملهم الحق و دلیله - ، از شیخ صلوق، از والدش، از اصحاب امام حسن عسکری (ع) ؛ به تفصیلی که در اول اسانید صلوق در کتب آن حضرت مسطور است . و از اینجا، سند اکثر کتب به دست آمد. و باقی، حواله بر رساله اجازات و سایر مواضعش می باشد.

و ختم می کنم این مقاله و جیزه را به بعض مرآئی عربیه از اشعاری که بر خاطر این احقر جاری شده؛ رجاءً لما قالوا(ع) : «من قال فینا بیت شعر بنی الله له بیتاً فی الجنة» و ما فی معناه۷۶.

و در اینجا، ختم می کنم این مقاله را از کتاب کبریت احمر فی شرائط المنبر؛ حامداً مصلیاً .

پی نوشتها:

۱. اشاره به قصیده ای با مطلع حسین انی واعظ و مودّب که در بخشهای پیشین به آن اشاره شد.

۲. نوشته ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی(از علمای قرن ۶)؛ این

تفسیر کامل دارای چند چاپ است، از جمله چاپ کتابخانه مرحوم آیت الله العظمی نجفی مرعشی که افست و چاپ قاهره است و چاپ المکتبه الاسلامیه در تهران به تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی و چاپ جدید و تصحیح به سال ۱۹۸۰م از سوی دارمکتبه الحیة بیروت در ۶ جلد و ترجمه آن در ۲۷ جلد از سوی گروهی از مترجمان مانند شهید محمد مفتاح ، حسین نوری، احمد بهشتی، محمد رازی، چاپ انتشارات فراهانی در سالهای مختلف است. مختصری از این تفسیر نیز در ۳ جلد به قلم شیخ محمد باقر الناصری از سوی موسسه النشر الاسلامی لجماعة المدرسین بقم المقدسه در سال ۱۴۱۳ق به چاپ رسیده است.

رجوع شود به کتاب : حسین طبرسی و مجمع البیان، ج ۲، تهران دانشگاه تهران، ج ۲، ۱۳۶۱

۳. مراد جوامع الجامع است که سه جلد آن با عنوان تفسیر جوامع الجامع به تصحیح استاد گرامی آقای ابوالقاسم گرجی با مقدمه و تصحیح و تعلیقات از سوی دانشگاه تهران در سالهای ۱۳۴۷ و ۱۳۷۱ در قطع رحلی به چاپ رسیده است و جلد اول و دوم آن نیز در سال ۱۳۶۷ش، از سوی مرکز مدیریت حوزه علمیه قم در قطع وزیری تجدید چاپ شده است .

۴. البرهان فی تفسیر القرآن، نوشته سید هاشم الحسینی البحرانی در ۴ جلد رحلی به تصحیح محمود بن جعفر الموسوی در سال ۱۳۳۴ از سوی چاپخانه آفتاب تهران به چاپ رسید و عیناً از سوی موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان قم افست شده است.

۴. تفسیر صافی، تألیف مولی محسن فیض کاشانی، دارای چاپ سنگی از انتشارات محمدی، طهران ۱۳۳۴ ه.ق. در یک جلد چاپ و حروفچینی شده با عنوان کتاب الصافی فی تفسیر القرآن چاپ المکتبه الاسلامیه تهران با تصحیح میرزا حسن حسینی لواسانی، که چاپ ششم آن در سال ۱۳۹۲ مورد استناد حقیر بوده است.

۵. منهج الصادقین فی الزام المخالفین تألیف مولی فتح الله کاشانی با مقدمه و پاورقی حاج سید ابوالحسن مرتضوی و تصحیح علی اکبر غفاری انتشارات علمیه اسلامیه، تهران در ۱۰ جلد.

۶. همان گونه که در پاورقی شماره ۳ ذکر شد، سه جلد از جمع الجوامع نیز چاپ شده و تنها جلد چهارم آن به چاپ نرسیده است.

۷. از جمله چاپهای این تفسیر چاپ آن با عنوان تفسیر شیخ ابوالفتح رازی با تصحیح و حواشی حاج میرزا ابوالحسن شعرانی و تصحیح علی اکبر غفاری در دوازده جلد از سوی کتابفروشی اسلامیه تهران به سال ۱۳۹۸ ه.ق چاپ مصحح و منقح دیگر این کتاب با عنوان روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن به کوشش و تصحیح دکتر محمد جعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح از سوی بنیاد بررسیهای اسلامی آستان قدس رضوی به بازار عرضه شده که از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵، ۱۹ جلد آن به چاپ رسیده است .

جز در چاپ بنیاد پژوهشهای اسلامی در چاپهای مختلف این تفسیر تفکیک آن در ۲۰ جلد رعایت نشده است.

۹. مبنای این مدعا معلوم نیست و در مقدمه محققانه جلد اول کتاب چاپ بنیاد پژوهشها، به این نکته اشاره ای نشده است.

۱۰. وقد ذکر الکلبینی رحمه الله فی کتاب الکافی و هو من اجل کتب الشیعة و اکثرها فائده . . . . الشیخ المفید، محمد بن محمد بن نعمان تصحیح اعتقادات الامامیه، تحقیق: حسین درگاهی. قم، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، ۱۳۷۱ ش/ ۱۴۱۳ ق، ط ۱، ص ۷۰.

۱۱. شرح فروع کافی از اول کتاب الطهاره تا آخر کتاب الصلاة، سال ۱۰۱۱ ق، تألیف مولی خلیل قزوینی به خط محمد ابراهیم بن محمد لاجین قزوینی در کتابخانه سپسالار موجود است. الذریعه، ج ۱۳، ص ۹۹

عربی: الشافی فی شرح کافی متوفای ۱۰۸۹ ه.ق از آغاز کتاب تا اواخر کتاب الطهاره را شامل است، الذریعه ج ۱۳ ص ۵-۶ ج ۱۴ ص ۲۷

الصفافی فی شرح کافی به زبان فارسی است. الذریعه، ج ۱۴، ص ۲۷ اگر چه اجزای باقی مانده در کتابخانه ها پراکنده است. ج ۱۵، ۴-۵

۱۲. برای تحلیل این عبارت خاتمه مستدرک، ج ۳، ص ۴۷۰

۱۳. النوری الطبرسی، المیرزا شیخ حسین، خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۳، تحقیق موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۶ ه.ق، صص ۴۶۳- ۵۳۶

۱۴. این کتاب در ۲۵ جلد بوده و جلد بیست و پنجم آن اجازات است،

تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی: ۱۴۰۷ ه. ق/ ۱۳۶۶ ش. نیز: کشف المحجّة یا فانوس، که ترجمه فارسی آن است توسط اسدالله مبشری، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.

۲۹. امام جعفر صادق(ع)، مصباح الشریعة، بیروت، الاعلمی، ۱۴۰۰ ق/ ۱۳۵۹ ش این کتاب دارای ترجمه و شرح است. ترجمه توسط محمد باقر ساعدی خراسانی، تهران، بی تا

نیز ترجمه زین العابدین کاظمی خلخالی، تهران، حجر، ۱۳۶۱، نیز ترجمه و شرح از حسن مصطفوی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۰. نیز شرح فارسی از عبدالرزاق بن محمد هاشم گیلانی، با تصحیح و مقدمه جمال الدین محدث ارموی، تهران، نشر صدوق، ۱۳۶۶

۳۰. محمد بن علی، ابن بابویه معروف به صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران، صدوق، ۱۳۶۷ [در احادیث شیعیه]

۳۱. ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق، امالی، با مقدمه و ترجمه آیت الله کمره ای، نشر: تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۸۰ ه. ق، نیز الامالی او المجلد، با مقدمه شیخ حسین اعلمی، نشر: بیروت، الاعلمی، ج ۵، ۱۹۹۰ م/ ۱۴۱۰ ه. ق] هر دو کتاب به زبان عربی - کتاب حدیثی - کتاب اول، دارای ترجمه فارسی]

۳۲. مجلسی، مولی محمد باقر، الاربعین، قم، چاپ علمیه، ۱۳۵۸ ش/ ۱۳۹۹ ه. ق

۳۳. شیخ بهاء الدین محمد عاملی، معروف به شیخ بهائی، اربعین، ترجمه فارسی توسط شمس الدین محمد خاتون آبادی، نشر: حکمت، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه. ق/ ۱۳۶۸ ش

۳۴. محمد بن مرتضی، معروف به مولی محسن کاشانی، المحجّة البيضاء فی تہذیب الاحیاء، ج ۷، با تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، نشر: تهران، مکتبة الصدوق، ۱۳۳۹ (عربی)، نیز، ج ۸، با تصحیح علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم داورى مرحوم زلف درباره احياء العلوم آمیخته با بی مبری و کاستن منزلت بلند این کتاب است.

۳۵. محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، با حواشی سید محمد کلاتر، نشر: بیروت، الاعلمی، چاپ چهارم

۳۶. ملا محمد باقر مجلسی، عین الحیة، نشر: تهران، قائم

۳۷. ملا محمد باقر مجلسی، حلیة المتّقین، نشر: تهران، قائم، نیز، نشر فراهانی

۳۸. علامه محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، حق الیقین، تهران، چاپخانه شرکت سهامی طبع کتاب، ۱۳۳۸، نیز: تهران، نشر قائم

۳۹. ملا احمد نراقی، معراج السعادة، تهران، نشر رشیدی، مرحوم حاج شیخ عباس قمی، خلاصه معراج السعادة یا المقامات العلیه در علم اخلاق را تألیف کرد. قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۵

۴۰. شیخ محمد بن حسن حر عاملی، أمل الامل، با تحقیق سید احمد حسینی، ج ۲، بغداد، مکتبة الاندلس، شرح و تکمله های دارد مثل تسمیه أمل الامل، شیخ عبدالنبی قزوینی، با تحقیق سید احمد حسینی، قم، نشر کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۷ ه. ق، نیز: تکملة امل الامل، تألیف سید حسن صدر، با تحقیق سید احمد حسینی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۶ ه. ق

۴۱. علامه مجلسی، حیوة القلوب، نشر جاویدان، در ۳ جلد اول، در قصص و احوالات پیامبران عظام، جلد دوم در مورد زندگانی محمد (ص) و جلد سوم در امامت

۴۲. حسن بن حسین شیعیه سبزواری، مصابیح القلوب، با تصحیح محمد سپهری، تهران، نشر بنیان، ج ۱، ۱۳۷۵ در عداد منشورات نشر میراث مکتوب

۴۳. احمد بن محمد، معروف به مقدس اردبیلی، حدیقة الشیعه، نشر علمیه اسلامیة، ۴ جلد

۴۴. محمد بن محمد بن نعمان، ملقب به مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، با ترجمه و شرح سید هاشم رسولی محلاتی، نشر علمیه اسلامیة، نیز: ج ۲، جلد، قم، مؤسسه آل البيت، ج ۱، ۱۴۱۳ ه. ق

۴۵. ابوعلی، فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، با حاشیه علی اکبر غفاری، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۹۹ ه. ق/ ۱۹۷۹ م

۴۶. اللہوف علی قتلی الطفوف، اصل کتاب تألیف علی بن موسی، ابن طاووس(د. ۶۶۴ ه. ق)، ترجمه آن به نام آخی سوزان بر مزار شهیدان توسط سید

متن اصلی در ۲۴ جلد و متن چاپ جدید کتاب در ۱۱۰ جلد در اختیار است. ۱۵. این مجلد در جلدهای ۷۴، ۷۵ و ۷۶ چاپ بیروت وجود دارد.

۱۶. معالم العبر، مستدرک، ج ۱۷، تألیف علامه نوری، چاپ تبریز در سال ۱۲۹۷ ه. ق است. (بحار، ج ۱ (مقدمه) ص ۱۱)

۱۷. عوالم العلوم و المعارف و الاحوال، تألیف شیخ عبدالله بن نورالله بحرانی اصفهانی، قم، نشر مدرسه الامام المهدی (عج)، چاپ اول ۱۴۰۵ ه. ق/ ۱۳۶۳ ش.

۱۸. الوافی، تألیف مولی محمد حسن فیض کاشانی، ج ۷، نشر: اصفهان، مکتبة الامام امیرالمؤمنین علی (ع)، حاشیه از مولی رفیع الدین نائینی، علامه مجلسی و مولی صالح مازندرانی، چاپ اول، ۱۴۰۶ ه. ق/ ۱۳۶۵ ش، (در هفت جلد) همچنین نسخه خطی آن در سه مجلد، تألیف خود فیض کاشانی، نشر، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی ۱۴۰۴ ه. ق،

۱۹. حر عاملی، محمد حسن اوی متوفای ۱۱۰۴ ه. ق، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، تهران، مکتبة الاسلامیة، چاپ ششم، ۱۴۰۳ ه. ق، (با تصحیح و تحقیق شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی)، دارای ۲۰ مجلد در ابواب فقه، همچنین در ۲۴ جلد، قم نشر مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۹ ه. ق،

همچنین در ۲۰ مجلد، نشر: بیروت، داراحیاء التراث العربی، با تصحیح شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، چاپ پنجم، ۱۴۰۳ ه. ق/ ۱۹۸۳ م

۲۰. نوری طبرسی، حاج میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۳ (خطی)، با مقدمه جامع شیخ آقا بزرگ تهرانی، نشر: تهران، مکتبة الاسلامیة/ نجف، مکتبة العلمیة، ۱۳۸۲ ه. ق. همچنین: در ۱۸ جلد، قم، نشر مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۷ ه. ق نیز، خاتمة مستدرک الوسائل، تألیف وی (طبرسی)، نشر قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۵ ه. ق

۲۱. کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، المتوفای ۳۲۸/ ۳۲۹ ه. ق. الکافی، ج ۲، با تصحیح شیخ نجم الدین آملی و با تعلیق علی اکبر غفاری، نشر: تهران، المکتبة الاسلامیة، ۱۳۸۸ ه. ق. نیز در ۴ جلد ترجمه و

شرح حاج سید هاشم رسولی، نشر علمیه اسلامیة. کلینی، نیز: در ۲ جلد بزرگ، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، نشر علمیه اسلامیة.

۲۲. ابن بابویه قمی، ابی جعفر صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، من لایحضره الفقیه با تحقیق سید حسن موسوی، ج ۴، نشر: تهران، دار الکتب الاسلامیة، چاپ پنجم، ۱۳۹۰ ه. ق. نیز، ج ۶، جلد، ترجمه محمد جواد غفاری، نشر صدوق، ج ۱، ۱۳۶۷

۲۳. ابوجعفر محمد بن حسن بن علی، شیخ طوسی، تہذیب الاحکام فی شرح المقنعة، ج ۱۰، با تحقیق علی اکبر غفاری، نشر: تهران، صدوق، چاپ اول، ۱۳۷۶/ ۱۴۱۷ ه. ق. نیز، با تحقیق سید حسین موسوی خراسانی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۰ جلد

۲۴. ابوجعفر، محمد بن حسن بن علی، شیخ طوسی، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، ج ۴، با تحقیق و تعلیق سید حسن موسوی، نشر: تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ه. ق

۲۵. ابو محمد حسن بن محمد دیلمی، ارشاد القلوب الی الصواب المنجی من عمل به من یم العقباء؛ بی جا، مرکز نشر کتاب، بی تا.

۲۶. سید نعمة الله موسوی جزائری، الانوار النعمانیة، تبریز (بی تا، بی تا)

۲۷. مالکی اشتری، ابی الحسین ورام بن ابی فراس، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، معروف به مجموعه ورام، ج ۲، نشر بیروت، دار صعب و دار التعارف، ترجمه این کتاب در دو جلد، توسط محمد رضا عطائی، به نام مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام، به چاپ رسیده است نشر: مشهد، پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۶۹

۲۸. ترجمه فارسی کشف المحجّة لثمره المهجّة، علی بن موسی، ابن طاووس، به نام برنامه سعادت، توسط سید محمد باقر شهیدی گلپایگانی، تهران، المکتبة المرتضویة لاحیاء الآثار الجعفریة (بی تا). نیز تسبیل السبیل بالحقّجة فی انتخاب کشف المحجّة لثمره المهجّة، برگزیده این کتاب است که توسط محمد بن شاه مرتضی معروف به فیض کاشانی تألیف شده (تحقیق مؤسسه آل البيت(ع))،



احمد فیری زنجانی به چاپ رسیده است تهران: جهان، ۱۳۵۳. نیز: قم، شریف رضی، ۱۳۷۱

۴۷. ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، اقبال الاعمال، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ هـ. ق/ ۱۳۴۹ ش

۴۸. مثیر الاحزان نوشته شیخ نجم الدین جعفر بن محمد بن جعفر بن هبة الله (۶۴۵ هـ. ق)، به ضمیمه التحصین فی صفات العارفين تصحيح شده و از سوی مدرسه الامام المهدی (عج) قم به چاپ رسیده است.

۴۹. مقتل كبير، موسوی حائری، ظاهراً شیخ آقا بزرگ به این کتاب اشاره ای نکرده است.

۵۰. طالبیه، موسوی حائری

۵۱. شیخ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، ۱۰۹ ج، بیروت، الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ. ق/ ۱۹۸۳ م. (نیز خطی) ۱۴۰۵ هـ. ق، ۳۴ جلد. نیز، ۱۰۹ جلد، تهران، دارالکتب الاسلامیه

۵۲. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ایران، نشر شریف رضی، ۱۴۱۴ هـ. ق/ ۱۳۷۲ ش. نیز منشورات رضی، چاپ دوم، ۱۴۰۵ هـ. ق

۵۳. جمال الدین، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلی، تذکرة الفقهاء، ۲ ج، نشر مکتبه الرضویه لاحیاء الآثار الجعفریة



مسجد جامع تلمسن، الجزائر

۵۴. علامه حلی، متنی المطلب فی تحقیق المذهب، ۳ ج، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ. ق

۵۵. عبدالله، محمد بن محمد بن نعمان بغدادی، ملقب به شیخ مفید، الاختصاص، با تصحيح علی اکبر غفاری، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۲ هـ. ق/ ۱۹۸۲ م. نیز: تصحيح غفاری، قم، جامعه مدرسین

۵۶. شیخ الاسلام محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، الوجیزة فی علم الرجال، بیروت، الاعلمی، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ. ق/ ۱۹۹۵ م

۵۷. سید هاشم بن سلیمان بحرانی، مدینه معاجز الائمة الاثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر، ۸ ج با تحقیق شیخ عزت الله مولائی همدانی، قم، بنیاد معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ. ق

۵۸. محمد باقر مجلسی، منتخب حلیة المتقین، نشر مجمع علمی اسلامی، بی تا

۵۹. ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه قمی، کامل الزیارات، تصحيح بهزاد جعفری، به اشراف علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۷۵

۶۰. ابوالقاسم رضی الدین علی بن موسی بن محمد بن طاووس (ره)، مہج الدعوات و منہج العبادات، نشر کتابخانه سنائی، بی تا

۶۱. آقا بن عابد دربندی، اسرار الشهادة، تهران، نشر الاعلمی، بی تا

۶۲. سید محمد باقر خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، ۸ ج، ترجمه شیخ محمد باقر ساعدی خراسانی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۶

۶۳. ابومخنف، مقتل الحسین (معروف به مقتل ابی مخنف)، تهران، انتشارات علمی، نیز: قم، انتشارات رضی، چاپ دوم، ۱۳۶۷

۶۴. سید ابوطالب بن ابی تراب قائنی، در تهران به چاپ سنگی رسیده و نسخه ای از آن به شماره ۳۷۵۹، در دانشگاه تهران موجود است، (الذریعة، ج ۱۸، ۳۸۱)

۶۵. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، جلاء العیون، تهران، علمیه اسلامیة، ۱۳۰۰

۶۶. در اخلاق و مقتل، و به زبان فارسی (الذریعة، ج ۱۸، ص ۳۳۸)

۶۷. مقتلی به زبان فارسی که در دو باب: پیش از شهادت و پس از شهادت تنظیم شده است. تاریخ تألیف آن، ۱۳۰۹ هـ. ق و تاریخ چاپ سنگی آن ۱۳۱۲ هـ. ق است (الذریعة، ج ۲۴، ص ۳۷۷)

۶۸. ابن ابی الحدید، شرح نہج البلاغة، ۲۰ ج، با تحقیق محمد ابوفضل ابراهیم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم ۱۳۸۵ هـ. ق/ ۱۹۶۵ م. ترجمه فارسی آن به نام جلوه تاریخ در نہج البلاغة در ۸ جلد توسط دکتر محمود مہدوی دامغانی، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۰

۶۹. ظاهراً، مراد کتاب مہیج الاحزان و موقف النیران فی قلوب اهل الایمان، نوشته مولی حسن بن محمد علی یزدی حائری است، که شامل مقدمه ای در آداب تعزیه و چهارده مجلس از خروج از مکه تا آخرین ورود به مدینه است. و در سالهای ۱۲۸۴ و ۱۲۹۷ هـ. ق در حاشیه محرق القلوب به چاپ رسیده است (الذریعة، ج ۲۳، ۲۲۹)

۷۰. نوشته حاج مولی محمد صالح برغانی، برادر شهید ثالث، به زبان فارسی که تألیف آن در سال ۱۲۶۱ هـ. ق پایان یافته و در سال ۱۲۸۵ هـ. ق در قطع رحلی به چاپ رسیده است. کتاب از یک مقدمه و ۱۴ فصل، ۱۴ مجلس و یک خاتمه تشکیل شده است (الذریعة، ج ۲۰، ص ۲۲۵).

۷۱. فرهاد میرزا معتمدالدولة، مقام زخار و صمصام تبار، با تصحيح محمود محرمی زرندی، تهران، اسلامیة، ۱۳۶۴

۷۲. لسان الملك میرزا محمد تقی سپهر، ناسخ التواریخ، با تصحيح و حواشی محمد باقر بهبودی، تهران، کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۳، نیز: تهران، بی تا

۷۳. فیخر الدین طریخی نجفی، المنتخب فی جمع المراثی، قم، شریف رضی، ۱۳۷۱

۷۴. نوشته مولی محمد تقی بن آغا محمد برغانی قزوینی، شهید ثالث (د. ۱۲۶۴ هـ. ق) که دارای ۵۰ مجلس که برای سلطان محمد شاه قاجار در سال ۱۲۵۸ هـ. ق نوشته است. در مجلس بیست و هفتم به استناد یک روایاً، مراتب غنا، در مراثی جایز شمرده است. نخستین چاپ آن، به سال ۱۲۷۵ هـ. ق است؛ پس از آن، مکرر به چاپ رسیده است (الذریعة، ج ۴۱، ص ۳۶۴).

۷۵. کتابهای متعددی به این نام وجود دارد ولی احتمالاً یکی از این دو کتاب، مد نظر است: الف: سرور المؤمنین فی احوال امیر المؤمنین و فضائله؛ نوشته سید احمد بن محمد حسینی اردکانی یزدی، معاصر فتحعلی شاه قاجار. وی مجلداتی را ذیل این کتاب در احوال سایر معصومان (ع) آورده است که نخستین آن، ویژه احوال سید الشهداء است (الذریعة، ج ۱۲، ص ۱۷۶).

ب: کتابی فارسی نوشته شیخ محمد علی بن موسی نجفی کاظمی اسدی، دارای ۳۱ مجلس و خاتمه ای که خود جاری ۳ مجلس است. وی در این کتاب، آنچه را موجب سرور مومنان است بیان می کند. ولی به دنبال آن، به ذکر مصائب می پردازد. این کتاب در سال ۱۳۸۴ در بمبئی به چاپ سنگی رسیده است.

۷۶. در اینجا، قصیده سروده خود را افزوده است که برای رعایت اختصار، از بیان آنها صرف نظر می کنیم.